

چگونه به قدرت دست دوم تبدیل نشویم؟

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، عواقب قابل توجهی برای ساختار قدرت در سطح نظام بین الملل و همچنین مناطق جهان سومی به همراه داشت. منطقه خاورمیانه نیز که برای چندین دهه، صحنه رقابت آمریکا و شوروی بود، با فروپاشی قطب کمونیستی جهان، به منطقه ای عمدتاً تحت سیطره آمریکا قرار گرفت. در طی یک دهه گذشته که از اضمحلال شوروی می گذرد، به نظر می رسد که آمریکا و اسرائیل قدرت قابل توجهی نسبت به گذشته کسب کرده اند. همکاریهای استراتژیک مصر، اردن و ترکیه با این قطب، سطح قدرت آمریکا و اسرائیل را به مراتب افزایش داده است. مسکو و یا قدرتهای میانی دیگر مانند انگلستان و فرانسه در حاشیه تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه قرار گرفته اند. مجموعه شورای همکاری خلیج فارس نیز همراه تراز گذشته با این قطب عمل می کند هر چند نسل جدیدی از تکنوکراتها و سیاستمداران که به سیاست و اقتصاد و امنیت، سنتی نمی نگرند و علائق ملی نیز دارند در این کشورها

ظهور کرده‌اند. عراق به عنوان کشوری که صاحب قوی‌ترین ارتش در دنیای عرب است و به طور بالقوه می‌تواند قدرت قابل توجهی در مقابل نیروهای دیگر در منطقه باشد همچنان در فقر و انحطاط تدریجی بسر می‌برد و آینده‌ای مبهم ولی احتمالاً وابسته پیش رو دارد.

در طی چند ماه گذشته، با مرگ شاه حسین و شاه حسن، اردن و مراکش با رهبران جوان تری پا به عرصه سیاست منطقه‌ای گذاشته‌اند. به نظر می‌رسد که عربستان، مصر، عراق و سوریه نیز در آینده‌ای نه چندان دور با رهبران جدیدی مدیریت خواهند شد. رهبری جدید عرب در کل منطقه خاورمیانه در شرایطی که اسرائیل و آمریکا قوی‌تر از گذشته در این منطقه حضور و نفوذ دارند با انعطاف‌پذیری و آسیب‌پذیری بیشتری مدیریت خواهد کرد. این در شرایطی است که خاورمیانه جوان‌ترین جمعیت جهان را داراست و بحرانهای متعدد اقتصادی و اجتماعی در اغلب کشورهای این منطقه حکفرماست. بحران مشروعیت، درگیریهای درون‌نخبگی، ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی‌های سیاسی به مشکلات این منطقه شدت خواهد بخشید.

جمهوری اسلامی ایران در این منطقه پرآشوب کشوری خاص است. تعریف خاص ایران از استقلال، حاکمیت ملی و عدم وابستگی به قدرتهای بزرگ، چالشهای کشور ما را افزایش داده است. در خاورمیانه‌ای که قدرت آمریکا و اسرائیل به عنوان کانون؛ و قدرت ترکیه، مصر، اردن و عربستان به عنوان محور به شدت در حال رشد است، جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند ضمن حفظ حاکمیت ملی خود، به قدرت حاشیه‌ای و روی نیمکت نشین تبدیل نشود و در سطح منطقه حضور و نفوذ شایسته خود را کسب کند؟ به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی ایران چگونه باید عمل کند تا به قدرت دست دوم و یا حتی چندم در منطقه تبدیل نشود؟ این سؤال زمانی فوق‌العاده جدی و حیاتی قلمداد خواهد شد که تحولات جدید منطقه‌ای به خصوص روند تحقیرآمیز مذاکرات اسرائیل با فلسطینی‌ها مورد بررسی دقیق روانشناسانه

قرار گیرد. فضای نوین تفاهم میان سوریه و اسرائیل، همکاریهای استراتژیک ترکیه و اسرائیل، مدیریت قوی آمریکایی بر وضعیت اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، و محور بودن آمریکا در شکل گیری آینده عراق و مدیریت مستقیم و پدرا نه عربستان بر همکاریهای مسالمت آمیز منطقه خلیج فارس با حمایت غیر مستقیم آمریکا، از جمله موارد دیگری هستند که وضعیت جدید خاورمیانه را به سوی تک قطبی شدن قدرت رقم می زنند.

چالشهای جمهوری اسلامی ایران برای حفظ حاکمیت ملی خود ضمن افزایش قدرت ملی متعدد هستند. برای آنکه کشور ما بتواند در صحنه پرمخاطره منطقه ای با چالشهای موجود، متین، معقول و موفق پیش رود، رهیافتهای استراتژیهای به هم پیوسته ای را باید دنبال کند. ذیلاً مجموعه ای را که به نظر ما می رسد جهت بحث علمی پیش رو می گذاریم:

۱) **ثبات سیاسی.** کشوری می تواند در سطح منطقه ای و بین المللی قوی تر و قاعده مند تر عمل کند که به پایداری رفتار و عملکرد سیاسی در داخل دست یابد. اشتراک مفهومی و رویه ای میان مدعیان قدرت از اهمیت ویژه ای در دستیابی به این هدف برخوردار است. اجماع نخبگان ابزاری (صاحبان قدرت و ثروت) پیرامون ارکان کلیدی استراتژی ملی جهت کسب قدرت سیاسی و اقتصادی در نمایش و اجرای قدرت و نفوذ منطقه ای بسیار تعیین کننده می باشد. در تاریخ توسعه جهان سوم در نیمه دوم قرن بیستم، کشورهای موفق تر بوده اند که استراتژی ملی داشته اند و دولتهای گوناگون در پیشبرد ارکان آن استراتژی اهتمام ورزیده اند. تنظیم قواعد بازی و محور قرار دادن آینده نظام و قدرت ملی و منطقه ای آن می تواند عموم صاحبان قدرت را حول ثبات سیاسی اجماع بخشد.

۲) **توان علمی- تکنولوژیک**. در سطح روابط بین الملل، تنها توانایی، تشکل و مهارت احترام دارد. استدلال قوی افلاطونی اما بدون پشتوانه مهارت در صحنه جهانی تنها برای نمایش محدود تبلیغاتی در کنفرانس های بین المللی مفید است. استقلال بدون قدرت ره به جایی نمی برد. امروزه قدرت نرم به قدرت سخت اولویت دارد. توان علمی- فنی- تحقیقاتی نظام نه تنها در منطقه بلکه در سطح جهانی مورد عنایت خواهد بود. استعداد سرشار و ممتاز ایرانی می تواند مهمترین رقیب توان علمی اسرائیل باشد چه رسد به توان محدود ترکیه و اعراب. توجه جدی به علم و تحقیقات و ارزش گذاران به کار علمی در کلیه سطوح اجرایی مملکتی تحرکی عظیم برای افزایش توان داخلی در مقایسه با توان وارداتی کشورهای همسایه ایجاد می کند.

۳) **ثروت ملی**. ثروت ملی در متون علمی از بار خاصی برخوردار است. ثروت به معنای افزوده سرمایه ای است که یک کشور برای اهداف والای سیاسی و فرهنگی به کار می گیرد. کشور بدون ثروت مانند فرد بدون پس انداز است. مجموعه نظام اقتصادی ما می بایستی شرایط لازم را برای افزایش قدرت و ثروت ملی فراهم آورد تا جمهوری اسلامی ایران در منطقه پر آشوب خاورمیانه بتواند با دقت، درایت، برنامه ریزی و هزینه کردنی که به نفع کل جامعه باشد، منافع ملی کشور را پیش ببرد. توجه به علم و تحقیقات و ارتقاء سطح ثروت ملی محتاج ثبات سیاسی است که مهمترین محک در عقلانیت و ظرفیت و دوراندیشی نخبگان سیاسی و ابزاری است.

۴) **قدرت نظامی بازدارنده**. جمهوری اسلامی ایران با پانزده همسایه که عموماً بی ثبات و دچار بحرانهای متعدد و بعضاً فوق العاده وابسته هستند نمی تواند نسبت به توان دفاعی خود بی توجه باشد. در شرایطی که کشورهای کوچکی که حتی مساحت یکی از استانهای کشور ما را ندارند بیش از ایران صرف هزینه نظامی می کنند، ما نمی توانیم به افزایش تدریجی و کیفی قوای نظامی خود اهمیت لازم را مبذول نداریم.

طبیعی است که ایران به واسطه ماهیت فرهنگی و تاریخی خود به دنبال ارتقاء سطح تهاجمی خود نیست بلکه صرفاً باید توان بازدارندگی خود را بالا برد. تهدیدات به امنیت ملی و تمامیت ارضی هنوز وجود دارند. توجه به علم، افزایش ثروت ملی و ثبات سیاسی داخلی، توان نظامی را در تقابل با تهدیدات علیه امنیت ملی را کیفی تر و مقتدر تر خواهد نمود.

۵) **دیپلماسی پیچیده و شبکه‌ای.** هنگامی که تنش‌ها، اختلافات و اصطحاکها (حتی در ارتباطات فردی) وسعت می‌یابند، «منش، روش و فرهنگ گفتگو و تعامل» بسیار اهمیت پیدا می‌کنند. امروز که سیاست خارجی کشور وارد یک دوره جدید تنش زدایی شده است و با بحث گفتگوی تمدن‌ها و احترام به انتخاب فرهنگی و سیاسی ملتها، چهره جدیدی به خود گرفته است، برنامه ریزی و مدیریت روشی و محتوای سیاست خارجی از اولویت تعیین کننده‌ای در اصول منطقی مملکت داری بهره مند شده است. امروز نظام ما در صحنه بین المللی برای پیشبرد اهداف خود و عرضه چهره‌ای واقعی از ماهیت فرهنگی و بشردوستانه ملت ایران، نیازمند پیچیده‌ترین، متعادلترین، باشخصیت‌ترین، باسوادترین و متعهدترین افراد می‌باشد. ما با تمامی کشورهایایی که قصد تضعیف ایران را ندارند باید ارتباط برقرار کنیم و با دیپلماسی همگانی و پیوسته و شبکه‌ای خود با عموم دول، روابط صلح آمیزی را بنا کنیم تا زمان بخریم و درون خود را منظم، قانونمند و وارسته کنیم. افراد و شخصیت آنها در این فرآیند خانه نکانی بسیار با اهمیت است. دیپلماسی ویتترین یک کشور است و با رنگ، لبخند، احترام، اعتمادسازی، تداوم در روشها و گفتارها و گسترش ارتباطات حتی خانوادگی میان نخبگان سیاسی منطقه در عین جدیت و اقتدار آمیخته شده است.

جمهوری اسلامی ایران شایستگی مبدل شدن به یک قدرت مستقل منطقه‌ای را دارد. در روان شناسی اجتماعی گویند که «نفر اول شدن خیلی مهم نیست بلکه نفر اول

ماندن مهمتر است.» فهم دقیق تحولات منطقه ای و تجدیدنظر و انطباق تدریجی تاکتیکها و استراتژیها برای حفظ حاکمیت ملی، قدرت ملی و برجستگی فرهنگی لازمه تفکر و اراده ای است که نمی خواهد ایران به یک قدرت دست دوم در منطقه خاورمیانه تبدیل شود.

سید حسین موسوی

